

## نقش پیش فهم‌ها و پیش فرض‌ها در تفسیر از منظر شبستری

خیرالنساء حسنی<sup>۱</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای نگارش یافته است و نقش پیش فرض‌ها و پیش فهم‌ها در تفسیر از منظر مجتهد شبستری را بررسی می‌کند. همچنین تبیین علم هرمنوتیک و نقش پیش داوری‌ها و پیش دانسته‌ها و میزان دخالت آنها در تفسیری صحیح و نزدیک به واقع از اهداف پژوهش حاضر است؛ زیرا تفسیر از مهمترین مباحثی که در باب قرآن مطرح است و با تدبر و تدقیق بر متن، نقش و تأثیر مولفه‌هایی چون افکار و علایق راوی، مکان و زمان حاکم بر جامعه که بر فضای فکر و اندیشه و تفسیر یک متن در ذهن مفسر رخ می‌دهد از پیش فرض‌ها و پیش فهم‌های منطبق است. یکی از افرادی که این ادعا را تأیید می‌کند آیت‌الله مجتهد شبستری است. ایشان معتقد است که صرف قرائت قرآن و تدبر و تعمق در آیات آن نمی‌تواند آدمی را به حقیقت و اسرار نهفته در پس آیات رهنمون شود. بنابراین، با نواندیشی خود دستاویز دانش هرمنوتیک شد و پیش فهم و پیش فرض‌ها را در صدر تفاسیر خود قرار داد. مؤلفه‌های به کار رفته در پژوهش حاضر عبارتند از: مفهوم تفسیر، هرمنوتیک و تاریخچه آن، پیش داوری و نقش آن در فهم متن، نقش پیش فرض‌ها و پیش داوری‌ها در تفسیر، نقش پیش فهم‌ها و پیش فرض‌ها در تفسیر از منظر شبستری، روش‌های تفسیر قرآن، تفاوت پیش فرض و تفسیر به رأی و ابهامات موجود در فهم متن، زمینه، زمانه و تأثیر آن بر تفسیر مجتهد شبستری از دین. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که مجتهد شبستری در تفاسیر خود از پیش فهم‌ها و پیش فرض‌های صواب بهره جسته است؛

<sup>۱</sup>. دانش پژوه دکتری تفسیر تطبیقی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی ﷺ العالمیه، پاکستان.

زیرا ایشان معتقد است که در دنیای پیشرفته کنونی، چارچوب تفکر فقهی سنتی برای کسانی که کشور را هدایت می‌کنند راهگشا نیست و مانع حرکت به سوی زندگی مدرن و متناسب با عصر حاضر می‌شود. بنابراین با تمسک به پیش‌فهم‌ها و پیش‌فرض‌ها در پی آن است تا ابهامات موجود در متون گسسته دینی را شفاف‌سازی کند و پرده‌های حجاب و ظلمت را درهم شکند و تفسیری قریب به نظر امامان معصوم علیهم‌السلام ارائه دهد.

**واژگان کلیدی:** هرمنوتیک، پیش‌فهم، پیش‌فرض، تفسیر قرآن، شبستری

## ۱. مقدمه

هرمنوتیک<sup>۱</sup> در زبان یونانی از مصدر هرمنوین و به معنای نظریه، عمل تأویل و تفسیر، تعبیرکردن، قابل فهم‌کردن و شرح دادن متون مکتوب است. (پالمر، ۱۳۷۷، ص ۱۹) هرمنوتیک وظیفه تفسیر<sup>۲</sup>، تبیین، تفهیم و توضیح کلمات کلیدی یک متن را برعهده دارد؛ مؤلفه‌هایی که هر کدام کارکرد مخصوص به خود را دارند و منشور این علم به حساب می‌آیند. به گفته بنتون<sup>۳</sup> اصطلاح هرمنوتیک نخست درباره تفسیر حقیقت روحانی کتاب مقدس کاربرد داشته است (بنتون، ۱۳۸۴، ص ۱۹۸). برخی نیز تأویل فعالیت ذهنی و کشف معنای باطنی متن که ورای معنای ظاهری آن نهفته است را در تعریف هرمنوتیک بیان کرده‌اند (پورحسین، ۱۳۸۴، ص ۱). علم هرمنوتیک با رویکرد تفسیری، تلاشی برای دستیابی به معنا از طریق تفسیر متن است. علمی که بر بیشتر حیطه‌های علمی، دینی، اجتماعی و سیاسی تأثیری انکارناپذیر گذاشته است و به نظر می‌رسد که می‌توان ردپای آن را در علوم قرآنی و تفسیر نیز مشاهده کرد. پیش‌فهم و پیش‌فرض، دو مؤلفه مهم و دو فاکتور اساسی در علم هرمنوتیک هستند که بدون کاربست آنها ارائه یک تفسیر جامع و مانع از یک متن امکان‌پذیر نیست. رهبری، مهمترین دستاوردهای فکری و فلسفی را هرمنوتیک فلسفی می‌داند و می‌فرماید:

1. Hermeneutics  
2. Interpretation  
3. Bentton

«از نظر گادامر پیش‌داوری‌ها نقش مثبتی در فرایند فهم بازی می‌کنند و اساساً نمی‌توان بدون دخالت پیش‌داوری و پیش‌تصورات به فهم و تفسیر چیزی نائل شد» (رهبری، ۱۳۸۵، ص ۵۳).

در تعریف هرمنوتیک فلسفی می‌توان گفت یک پدیده فهمی و تأویلی است که هستی‌شناسانه و در یک کلام پدیدارشناسی فهم است. خسروپناه در این باره می‌گوید: «اطلاق هستی‌شناسی یا فلسفی بر آن به منظور تمایز آن از هرمنوتیک روش‌شناختی است؛ زیرا پرسش اصلیش این است که عوامل مؤثر در تحقق واقعه فهم چیست؟ وی برای فهم، خصلتی تاریخی قائل بود؛ یعنی مفسر در فهم خود از گذشته و پیش‌داوری‌ها و پیش‌فرض‌ها متأثر می‌شود» (خسروپناه، ۱۳۸۲، ص ۴۸).

هرمنوتیک فلسفی معنای مرکزی و ثابت متن که با مقیاس قصد و نیت مؤلف معین و معلوم می‌شود، پذیرفته نیست. ربانی گلپایگانی با تأیید این سخن می‌گوید: «معنای یک کلام یا یک متن، چیزی است که از نسبت آن با اشیای دیگر پدید می‌آید و به تعبیر گادامر، معنا از طریق ادغام افق متن و افق معنایی مفسر به دست می‌آید و از آنجا که این نسبت‌ها متغیر و متکثر هستند معنایی که از متن حاصل می‌شود نیز امری متغیر و متکثر خواهد بود» (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۵). البته قانون معتقدان هرمنوتیک فلسفی به تأویل بردن آیات محکم و متشابه است که هم فهم و تفسیر عینی و مؤلف‌مدار را تخطئه می‌کنند و هم قرائت‌ها را بی‌پایان می‌دانند و هم مرز و معیار و حد و حدودی برای تشخیص فهم و تفسیر معتبر از نامعتبر نمی‌شناسند.

تفسیر قرآن عبارت است: «پرده برداشتن از معنای مراد خدای تعالی از الفاظ و عبارات قرآن؛ یعنی باید هر آیه و سوره قرآن با توجه به مکان و زمان نزول و مخاطبانش معناشناسی و تفسیر شود. بنابراین در تفسیر قرآن هدف این است که بررسی شود معنایی که عرب حجاز در عصر نزول از هر کلمه و عبارت قرآنی می‌فهمیدند چه بوده است». (نکونام، ۱۳۸۸، ص ۴۲) تفسیر در اصطلاح عام پرده برداشتن و روشن کردن مراد و مقصود خداوند از کتاب پیروزمندش است و تأویل، برگرداندن آیه است از معنای ظاهری به معنای محتمل. البته هر اثر هنری در بستر زمانی و مکانی خاصی از سوی مخاطبان دریافت و فهم می‌شود و گاهی مورد نقد و تفسیر قرار می‌گیرد. رویکردها و روش‌های

مختلفی در تفسیر اثر هنری طرح شده است و درباره آن بحث کرده‌اند. از هرمنوتیک و نشانه‌شناسی گرفته تا روش‌های تأویل فلسفی و عرفانی. در تفسیر اثر هنری مؤلفه‌هایی چون زمان و مکان و آگاهی از تاریخ و هنر و متن اثر دخالت دارند. در این میان پیش‌فرض‌های فکری، فلسفی، فرهنگی، تاریخی و... مفسر نقش تعیین‌کننده‌ای در نوع نگاه مفسر خواهد داشت. هر چند مفسر اثر هنری با اثر عینی ملموس و قابل تجربه‌ای روبه‌رو است، ولی نوع رهیافت و برداشت وی از لایه‌های ظاهری و باطنی اثر ارتباط مستقیمی با تصورات و پیش‌فرض‌ها و پیش‌فهم‌های او دارد و فهم و تفسیر وی را در رابطه‌ای بینامتنی با متون از پیش تجربه شده قرار می‌دهد (حاج سیدجوادی، ۱۳۹۱، ص ۶۷).

مجتهد شبستری از فیلسوفان و مفسران برجسته و گران قدر مسلمان بر این عقیده است که بدون دخالت پیش‌فرض‌ها و پیش‌فهم‌ها در تفسیر یک متن نمی‌توان به مقصود نهایی کلام متکلم پی برد. ایشان در تفسیر قرآن به طور صریح، هرمنوتیک را دستاویز تفاسیر خود قرار می‌دهد و از تأثیرات انکارناپذیر پیش‌فهم‌ها و پیش‌فرض‌ها در یک تفسیر کامل و قریب به واقع سخن می‌گوید. وی بر این نکته تأکید دارد که دین‌دارانه زندگی کردن در کنار بهره‌گیری از علم و صنعت، تمدن جدید، شیوه‌های جدید حکومت‌داری و اوضاع سیاسی-اجتماعی متناسب با آن کارچندان آسانی نیست و معضلات فکری و مشکلات عدیده‌ای را برای جهان اسلام خلق کرده است. وی با بهره‌گیری از علم هرمنوتیک به قرائت و تفسیر متون دینی روی آورده است و آزادی در آرا و نظرات در تفسیر ایشان مشهود است. (روشن و شفیعی سیف‌آبادی، ۱۳۸۹، ص ۲۲)

## ۲. پیشینه تحقیق

از زمان شلایر ماخر (۱۷۶۸-۱۸۳۴) تاکنون تحقیقات زیادی در حوزه هرمنوتیک انجام شده است. در پژوهش حاضر به دلیل پرهیز از اطاله وقت تنها به مطالعات نزدیک به این اثر که البته در متن پژوهش حاضر نیز مورد استفاده قرار گرفته است، بسنده می‌شود.

- هرمنوتیک، کتاب و سنت از محمد مجتهد شبستری. ایشان در این کتاب گران قدر با بررسی پیش‌فرض‌های مفسران اسلامی به این نتیجه رسید که اصل پیش‌فرض، اصل کلی هرمنوتیک

فلسفی گادامر است. وی تفسیر قرآن به قرآن علامه طباطبایی را بدون دخالت دادن پیش فرض‌های مختلف علمی نمی‌داند.

- روشن و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان تفسیر دین و تأثیر آن بر مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی محمد مجتهد شبستری و محمدتقی مصباح یزدی آراء هر کدام از این دو علامه را مقایسه و بررسی کردند که در پژوهش حاضر نیز از آنها استفاده می‌شود.

### ۳. بحث

قرآن کتابی برای همه بشریت و برنامه هستی‌بخش انسان‌هاست، اما بدیهی است که هر فردی نمی‌تواند به عمق آیات آن دست یابد و به مفهوم اصلی متکلم یا خداوند برسد. بنابراین، دانشی با عنوان تفسیر پدید آمد تا با برطرف کردن شبهات احتمالی حاصل از تفسیرهای ناصواب، آن را فراخور فهم انسان‌های هر عصر تفسیر و تبیین کند. قرآن کریم از بدو نزول، مورد توجه جامعه‌ای قرار گرفت که مخاطب آن بودند. رسول مکرم اسلام ﷺ اهتمام زیادی به تبلیغ و تبیین این کتاب مقدس داشت، اما پس از رحلت آن حضرت دست مغرضان و جاهلان در تفسیر ناصحیح قرآن کریم باز شد. این امر باعث شد که ائمه علیهم‌السلام در موقعیت‌های مختلف در مقابل آنها بایستند و به روشن‌گری بپردازند. (قاضی زاده و مقیمی نژاد داورانی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۲) هرمنوتیک دانشی است که بر پایه پیش فرض و پیش فهم بنا شده است. در قاموس هرمنوتیک‌ها مخاطب متن، نقشی کلیدی در استنباط و استخراج آن دارد. بنابراین، برای رسیدن به تفسیری عمیق و دقیق و قریب به محتوای کلام باید از علایق و سلایق مفسر و فضای حاکم بر عقل و اندیشه‌اش یاری جست. در باور هرمنوتیک‌ها این افکار و اندیشه انسان است که باعث ایجاد دوستی، همزیستی، تفاهم و تساهل و ایجاد دنیای عاری از خشونت و رنج و ستم می‌شود.

قرآن کریم خود را نور، شفا و رحمت معرفی می‌کند؛ شفاى بیماری‌های فکری، اعتقادی و اخلاقی. به همین دلیل قرآن برای همگان قابل فهم است. آیه: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ» (قمر: ۲۲) به نوعی مهر تأییدی بر علم هرمنوتیک است و می‌توان با استناد به این آیه، تفسیری نزدیک به کلام روحانی امامان معصوم علیهم‌السلام استخراج کرد. پیروان نحله هرمنوتیک که مجتهد شبستری یکی از سرشناس‌ترین آنهاست بر این باورند که بدون پیش‌داوری و پیش‌فرض نمی‌توان به فهم کامل از یک متن دست یافت. هرمنوتیست‌ها با دخیل دانستن علایق و انتظارات در امر تفسیر یک متن، پیش‌فهم‌ها و پیش‌فرض‌ها را لازمه یک تفسیر دقیق و برتر شمرده‌اند. مجتهد شبستری یکی از متفکران سیاسی است که جریان روشن‌فکری دینی را به‌عهده دارد. تفاوت این جریان با جریان‌های فکری و سیاسی دیگر به تفسیر آنها از دین و مباحث دینی برمی‌گردد که خود منجر به تفاوت دیدگاه آنها نسبت به مقوله‌های سیاسی و اجتماعی شده است (باقری دولت‌آبادی و نوری، ۱۳۹۴، ص ۵۲).

#### ۴. مضامین مطرح در باب پیش‌فهم و پیش‌فرض

##### ۴-۱. مفهوم تفسیر

واژه تفسیر در لغت عرب از ماده فسر گرفته شده است و لغت‌دانان آن را با کلماتی چون تبیین، ایضاح و کشف، مترادف دانسته‌اند. ابن فارس، فسر را دلالت به وضوح و روشن کردن چیزی می‌داند. (ابن فارس، ۱۴۱۱، ص ۵۰۴) تفسیر در فرهنگ اسلامی با توجه به معنای لغوی آن به معنای کشف، اظهار و پرده‌برداری آمده است. چه از ریشه فسر باشد یا سفر یا تفسره که همه برای روشن کردن، تبیین کردن و پرده‌برداری از مفاد کلام آمده است. براساس روش‌شناسی گادامر، فهم همان تفسیر است و هیچ تفسیر متنی بدون دخالت پیش‌فرض صورت نمی‌گیرد. به عبارت دیگر هر تفسیری بر پیش‌فرض‌ها و

۱. «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ». (مائده: ۱۵) «وَوُكِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شَفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ». (اسرا: ۸۲)

مبانی خاصی اعم از هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، وحی‌شناختی، نبوت‌شناختی و انسان‌شناختی استوار است (باقری دولت‌آبادی و نوری، ۱۳۹۴، ص ۵۲).

#### ۲-۴. هرمنوتیک و تاریخچه آن

هرمنوتیک به عنوان نظریه تفسیر کتاب مقدس برای نخستین بار به نام جی. سی. دانهاور در سال ۱۶۵۴ و با انتشار کتابی به نام هرمنوتیک قدسی یا روش تأویل متون قدسی به کار رفت. این کتاب بیانگر روش‌شناسی تأویل و تفسیر متون است. این اولین باری بود که میان علم هرمنوتیک که قواعد و روش‌ها و نظریات مربوط به تفسیر خود شرح و بیان، تفکیک و تمایز ایجاد شد. (پالمر، ۱۳۸۷، ص ۴۲) بنابراین، هرمنوتیک شاخه‌ای از علوم عصر‌رنسانس و پدیده‌ای نوظهور است که در آن به جای تمرکز بر قواعد و اصول فهم و تفسیر به خود پدیده فهم توجه می‌شود. نظر به اینکه واژه تفسیر جزء کلمات کثیرالمعنی است و در تمام مکتب‌ها و مشرب‌ها یک معنای واحد ندارد، پس نمی‌توان هرمنوتیک را مساوی با تفسیر قلمداد کرد، اما وجه اشتراک این علم با دیگر علوم در مقوله فهم و درک است.

#### ۳-۴. پیش‌داوری و نقش آن در فهم متن

نخستین بار گادامر<sup>۱</sup> با طرح پیش‌فرض بر آن شد تا به مقابله با نظریه غالب در عصر روشنگری بپردازد. البته این تفکر گادامر ادامه نظرات استادش بود که درصدد اعاده حیثیت از پیش‌داوری‌های عصر روشنگری برآمد و نقش محوری بر آن قائل شد تا جایی که معتقد شد: «بی‌تردید هیچ فهمی عاری از پیش‌داوری نیست». وی بر این باور بود که ذهن هیچ‌گاه خالی از پیش‌داوری‌ها نیست. هرمنوتیک‌ها، پیش‌داوری‌های انسان را مصون از اشتباه و خطا ندانسته‌اند و سنت را خاستگاه اصلی پیش‌فرض‌ها می‌دانند و معتقدند پیش‌داوری‌های برخاسته از سنت، قابل نقد و تجدیدنظر است. بدین ترتیب می‌توان گفت که پیش‌داوری‌های مفسر از طریق مواجهه

با سنت، آزموده و ارزیابی می‌شود و تغییر می‌پذیرد. این تغییر، محصول امتزاج افق حال و گذشته است که این فرایند درون سنت صورت می‌پذیرد نه خارج از آن. (واعظی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۶) اصول و دیدگاه هرمنوتیکی در میان قرآن پژوهان و مفسران و فیلسوفان مسلمان موافق و مخالفانی داشته است.

عده‌ای مانند مجتهد شبستری به تاسی از هرمنوتیست‌ها در تفسیر قرآن، پیش‌فرض‌ها و پیش‌فهم‌ها را دخالت داده‌اند و تفسیری نوین ارائه می‌دهند. مجتهد شبستری معتقد است که پیش‌فرض‌ها و پیش‌دانسته‌های اشخاص با هم متفاوت است. ایشان معتقدند فرایند تفسیر با طرح سؤالاتی از دین و متون دینی شروع می‌شود که براساس علایق و انتظارات وی از متن دینی شکل گرفته است. از آنجا که پیش‌فرض‌ها و پیش‌دانسته‌ها و همچنین علایق و انتظارات افراد در قرون مختلف متفاوت است باعث تفاوت تفسیر مفسران سابق و مفسران معاصر شده است که اکنون به تفسیر متون مقدس می‌پردازند (مجتهد شبستری، ۱۳۷۹، ص ۲۲). شبستری قرائتی انسانی از دین مطرح می‌کند. وی در تبیین این قرائت انسانی از دین می‌نویسد: «وقتی می‌گویم قرائت انسانی از دین، منظورم این است که انسان دین و دین‌ورزی خود را آن‌گونه بفهمد که همه ابعاد انسانیت او ایجاب می‌کند. دین متعلق به انسان است نه خدا. انسان به دین نیاز دارد نه خدا. وقتی می‌گویم قرائت انسانی از دین منظورم عبارت است از فهم انسان از دین و دین‌داری خودش آن‌گونه که انسانیت او ایجاب می‌کند» (مجتهد شبستری، ۱۳۷۹، ص ۸۳).

مجتهد شبستری دین را برای رفع نیازهای انسانی قلمداد می‌کند و اذعان می‌کند که انسان باید شرایطی که در آن محصور است را بشناسد و با تطبیق دین با فلسفه آن را در قالب وجودی خویش درآورد؛ زیرا برای درک و فهم دین راهی جز تفسیرکردن آن نیست و تنها با تفسیر دین و متن دینی است که انسان به افق‌های فراطبیعی و اعجاب‌انگیز دین دسترسی پیدا می‌کند. به باور مجتهد شبستری، تمام متون تفسیرپذیر هستند. ایشان هیچ معنایی را برای نص مقابل ظاهر نمی‌پذیرد و در توضیح آن می‌نویسد: «آیا با توجه به مباحث فلسفی تفسیر متون (هرمنوتیک فلسفی) که به‌ویژه در قرن بیستم دامن گسترده است، می‌توان تفسیر معینی از یک متن را تنها



تفسیر ممکن و درست و معتبر اعلام کرد؟ آیا با توجه به این مباحث دیگر معنایی برای نص در مقابل ظاهر باقی مانده است؟ هیچ متنی تفسیر منحصر به فرد ندارد و از همه متون، تفسیرها و قرائت‌های متفاوت می‌توان ارائه داد و هیچ متنی به این معنای نص نیست که فهمیدن آن، گونه‌ای تفسیر نباشد و تمام متون بدون استثنا تفسیر می‌شوند» (مجتهد شبستری، ۱۳۷۹، ص ۳۷۵). مجتهد شبستری تفسیر متون را فرایندی می‌داند که مراحل و مراتبی دارد. وی معتقد است متن، یک دفعه و یک باره تفسیر نمی‌شود بلکه مفسر در هر مرحله به مرتبه‌ای از مراتب فهم متن می‌رسد. البته ایشان قائل به فهم‌های عرضی هستند و معتقدند پیش‌دانسته‌ها و پیش‌فرض‌های مفسر در هر مرحله تغییر می‌کند. به طور کلی می‌توان گفت از دید مجتهد شبستری قرائت‌های یک متن به عنوان یک امر واقعی و حقیقی، متعدد و متفاوت هستند. به همین دلیل وی به این نتیجه می‌رسد که در تفسیر متون نمی‌توان به فهم نهایی دست یافت (حاجی اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۷۹).

#### ۴-۴. نقش پیش‌فرض‌ها و پیش‌داوری‌ها در تفسیر

به نظر می‌رسد در تفسیر آثار و متون، پیش‌داوری بر اساس پیش‌فرض‌ها و تعلقات بردو بنیان استوار است: نخست اعتماد بر آرا، دیدگاه‌ها و مقبولات سنتی و رایج هر جامعه یا فرد و اجتناب از به‌کارگیری روش‌های معقول و غیرجانبدارانه و دیگری به‌کارگیری عجولانه و ناصحیح این روش‌ها. بنابراین، برای رسیدن به فهم و تفسیری مناسب از موضوع باید با روشی متناسب از پیش‌داوری‌ها و پیش‌فرض‌های اثبات‌نشده و نابه‌جا اجتناب کرد. البته این به معنای نفی هرگونه پیش‌فرض در فهم و تفسیر آثار و متون نیست. در هر فهم و تفسیر سوژه یا فاعل شناسا، خود معنایی را فرامی‌افکند. این فهم و تفسیر از ابژه‌ها خالص نیست و همواره با پیش‌فرض‌ها و پیش‌داوری‌هایی همراه است. بنابراین، فهم یک متن همواره با فرافکنی همراه است. (حاج سیدجوادی، ۱۳۹۱، ص ۶۸) برای این اساس نمی‌توان خط بطلان بر هر پیش‌فرض و پیش‌داوری کشید و آن را گمراه‌کننده و نادرست خواند؛ زیرا پیش‌داوری، داوری و تصدیقی است که قبل از نیل به دلیل صورت‌گرفته است

و این پیش داوری ممکن است در روند فهم و تفسیر متن یا اثر تأیید یا ابطال شود. چنین نیست که پیش فرض‌ها و پیش داوری‌ها همواره گمراه‌کننده و دارای بار منفی باشند؛ زیرا از نظر برخی نظریه پردازان، این نظر، یک پیش داوری علیه پیش داوری است. هر مفسری از منظری خاص، که برخاسته از زمینه روانی، فکری، تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خاصی است با پیش تصورات خاصی به موضوع مورد نظرش می‌پردازد. حتی فرض یک منظر یا موضع خنثی عاری از پیش فرض‌ها و پیش تصورات دشوار است (حاج سید جوادی، ۱۳۹۱، ص ۶۸).

توصیف گادامر که از موافقان علم هرمنوتیک است بر این دیدگاه صحه می‌گذارد که هر فهم، یک تفسیر است؛ زیرا هر فهم ریشه در وضعیت خاصی دارد و بدین دلیل نماینده دیدگاه و دورنمای ویژه‌ای است. بنابراین، هیچ دیدگاه مطلق وجود ندارد که بتوان از طریق آن تمام دورنماهای ممکن را نگریست. تفسیر فرایندی تاریخی است، اما این بدان معنا نیست که تفسیر صرف تکرار گذشته است بلکه در معنایی حاضر و موجود مشارکت دارد. از این رو عبارت یگانه تفسیر صحیح، گمان باطلی است. از نظر وی تفسیر يك متن به بررسی قصد مؤلف یا درك عصر مؤلف محدود نمی‌شود؛ زیرا متن تجلی ذهنیت مؤلف نیست بلکه تنها براساس گفت‌وگویی میان مفسر و متن، واقعیتش را پیدا می‌کند. (هوی، ۱۳۷۸، ص ۱۴) هوی معتقد است ذهن تأویل‌کننده در آغاز تأویل، مجموعه‌ای از پیش داوری‌ها، پیش فرض‌ها و خواست‌هایی استوار به افق معنایی امروز است که به تعبیر هر رسول در حکم زیست جهان اوست (هوی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۸).

هر فهمی بر تعدادی پیش فهم استوار است و بدون آن فهم عمیق یک متن امکان پذیر نیست. پیش فهم‌هایی که دقت در آنها می‌تواند مفسر را به استنباط عمق یک متن رهنمون شود عبارتند از: نگاه فاعل فهم به فرد، جامعه، تاریخ، سنت‌های موجود در متن، عصر و فرهنگ زمانه و گفت‌وگویی که در مورد متن جریان داشته است. گادامر که افکاری همسو با هرمنوتیک دارد حذف پیش داوری را در عملیات فهم، پوچ و بیهوده می‌خواند و معتقد است تلاش برای حذف مفاهیم شخصی در عملیات تأویل امری ناممکن و کاری بیهوده و پوچ است. به نظر او تأویل یک متن به معنای بهره‌گیری از پیش فهم‌های شخصی در کشف معنای آن متن است به گونه‌ای که معنای

متن، خود به سخن درآید (پالمر، ۱۳۷۷، ص ۲۲۷). به نظر می‌رسد که همسوس شدن فرض‌های مفسر که از قبل در ذهن و اندیشه خود دارد و انتظارات او با یک متن، منجر به ایجاد تفسیری دقیق از آن متن می‌شود. هرمنوتیک‌ها شناخت متن را مشروط به آگاهی از پرسش‌های آشکار و پنهانی می‌دانند که متن می‌بایست به آنها پاسخ دهد و مفسر باید با انتظارات از پیش تعیین شده به سراغ متن برود (احمدی، ۱۳۸۹، ص ۵۷۴-۵۷۱).

#### ۴-۵. نقش پیش فهم‌ها و پیش فرض‌ها در تفسیر از منظر شبستری

مجتهد شبستری که بر پایه اصول هرمنوتیکی گادامر پیش می‌رود. در کتاب هرمنوتیک، کتاب و سنت به بیان مقدمات و اصولی در باب تفسیر و فهم متن پرداخته است که عبارتند از: الف) پیش فهم‌ها یا پیش دانسته‌های مفسر؛ ب) علایق و انتظارات هدایت‌کننده مفسر؛ ج) پرسش‌های وی از تاریخ؛ د) تشخیص مرکز معنای متن و تفسیر متن به عنوان یک واحد بر محور آن مرکز؛ ه) ترجمه متن در افق تاریخی مفسر (شبستری، ۱۳۷۹، ص ۱۶). شبستری بر این باور است که یک سری اندوخته‌های ذهنی مانند پیش دانسته‌ها و پیش فرض‌ها در ضمیر ناخودآگاه مفسر وجود دارد که بر تفسیر او اثر می‌گذارد و به واسطه آن سؤالاتی از متن در ذهن مفسر ایجاد می‌شود و درصدد پاسخ‌گویی به آن برمی‌آید و همین پرسش‌ها و پاسخ‌ها جهت تفسیر را مشخص می‌کنند. از آنجا که با هر پرسش و پاسخی که مفسر ارائه می‌دهد منجر به تراوش پاسخ‌های عرفانی، دینی و ... می‌شود، پس بر بسامد فهم مفسر نیز تأثیر می‌گذارد و قرائت‌های جدیدی کشف و ضبط می‌شود. مجتهد شبستری اعلام می‌کند: «مسلمات دانش هرمنوتیک و دانش تاریخ به ما می‌گویند فهم و تفسیر هیچ متن دینی و بازسازی هیچ حادثه تاریخی بدون پیش فهم‌ها و پیش فرض‌ها و انتظارات و علایق ممکن نیست» (شبستری، ۱۳۷۹، ص ۲۴۷). البته این طور نیست که شبستری تمام پیش فهم‌ها و پیش فرض‌های ذهنی یک مفسر را بپذیرد بلکه ایشان معتقد است هرگز با مقدمات ناصحیح و نادرست نمی‌توان به معنا و مفهوم متن دست یافت. بنابراین، این مقدمات باید خالص باشد تا تصویری زلال و شفاف از متن ارائه دهد. ایشان در پاسخ به ملاک شناسایی مقدمات می‌گوید: «از

این حقیقت که يك محك صد درصد متقن برای اثبات فهم يك متن وجود ندارد نباید وحشت کرد» (شبستری، ۱۳۷۹، ص ۳۲).

نخستین قاعده مهم تفسیری، اصل فهم پذیری قرآن است. مدلول آشکار و فحوای صریح آیات بسیاری تأکید و تکیه بر قابل فهم بودن قرآن کریم است. علاوه بر این، احادیث بسیاری نیز بر این مطلب تأکید دارند که قرآن کتابی فهم پذیر است و همه انسان ها با وجود اختلاف در مراتب فهم مجاز بلکه ملزم به تأمل و تدبر در آموزه ها و مفاهیم والای آن هستند. بنابراین، مهمترین مؤلفه برای یک تفسیر درست، فهم صحیح و برداشت صواب از متن قرآن است. البته این مؤلفه با شرط دخیل دانستن پیش فرض ها و پیش فهم ها امکان پذیر است. هر مفسری دیدگاه و خاستگاه های ویژه ای دارد و با کار بست آنها اقدام به تفسیر قرآن می کند. از دید مجتهد شبستری با اینکه ذهنیت و پیش داوری مفسر، افق معنایی او را می سازد، اما پیش داوری ها و پیش فهم های ناصواب نیز وجود دارد که چون حجابی پیش روی مفسر و متن قرار می گیرد و تا افق معنای متن با افق معنای مفسر هم راستا و در هم تنیده نشود، نمی توان به تفسیری صحیح دست یافت.

#### ۴-۵-۱. روش های تفسیر قرآن

مفسران هر کدام شیوه خاصی را در تفسیر متون دینی و کلام مبارک قرآن اتخاذ می کنند تا بتوانند آن را به گونه ای تفسیر و تبیین کنند که هم برای خواننده قابل فهم باشد و هم عاری از هرگونه سؤال و شبهه باشد و مراد و مقصود متکلم را پیش روی خواننده قرار دهد. قرآن نیز به عنوان يك متن دینی در طول تاریخ تفسیری خود روش های متفاوتی را از سوی مفسران به خود دیده است.

#### ۴-۵-۱-۱. روش تفسیر نقلی یا تفسیر به مأثور

در میان بسیاری از اندیشمندان معاصر مقولاتی مانند جامعه، تاریخ، هنر، طبیعت، دین و ... مانند متونی هستند که قابلیت تفسیر دارند. بنابراین، پدیده تفسیر به رأی در آنها نیز قابل تصور خواهد بود. به دلیل اهمیت ویژه مسئله تفسیر به رأی، این بحث در عرصه های گوناگون مورد توجه اندیشمندان قرار داشته است که مهمترین آنها عبارتند از:

**علوم قرآن:** مسائل مختلفی که در عرصه علوم قرآن با تفسیر به رأی مرتبط است بحث از تأویل و تفسیر قرآن، روش‌ها و شرایط و آداب تفسیر، محکم و متشابه، ظاهر و باطن قرآن.

**اصول فقه:** در بحث اجتهاد آنجا که دانشمندان در علم اصول فقه از میزان اعتبار اجتهاد و رأی و قیاس و ... در مورد استنباط احکام شرعی سخن به میان می‌آوردند.

**کلام جدید:** آنجا که در هرمنوتیک و قواعد فهم متن از نقش پیش دانسته‌ها و انتظارات مفسر در فهم متن و معارف دین سخن گفته می‌شود، مسئله تفسیر به رأی و مذموم بودن آن اهمیت می‌یابد.

#### ۴-۵-۱-۲. روش تفسیر به رأی

ائمه معصومین علیهم‌السلام در احادیث و روایات متعددی از تفسیر به رأی سخن گفته‌اند و آن را مذموم دانسته‌اند. برای نمونه در حدیثی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است: «خداوند فرموده است کسی که با رأی و نظر خود، کلام مرا تفسیر کند به من ایمان نیاورده است. هر کس مرا به آفریده‌هایم شبیه سازد مرا نشناخته و آنکه در آیین من قیاس به کار برد بر آیین من نیست». (صدوق، ۱۴۱۷، ۱/۵۵) صرف نظر از روایاتی که از شیعه و سنی در مورد مذموم و ناپسند بودن تفسیر به رأی وجود دارد، می‌توان به آیات زیر استناد کرد: «قل انما حرم ربی و ان تقولوا علی الله ما لا تعلمون» (اعراف: ۳۳)، «و لا تقف ما لیس لك به علم ان الشمع والبصر والفواد کل اولئک کان عنہ مسئلاً» (اسراء: ۳۶)، «و اذ رأیت الذین یخوضون فی ایننا فاعرض عنہم حتی یخوضوا فی حدیث غیره» (انعام: ۶۸) که با تدبر و تأمل در معنای آنها می‌توان به قبح تفسیر به رأی پی برد.

۴-۵-۱-۳. روش تفسیر اجتهادی

۴-۵-۱-۴. روش تفسیر اشاری

۴-۵-۱-۵. روش تفسیر رمزی

۴-۵-۱-۶. روش تفسیر قرآن به قرآن

۴-۵-۱-۷. روش تفسیر جامع براساس کتاب سنت (عترت)، اجماع و عقل.

## ۵. تفاوت پیش فرض و تفسیر به رأی

برخی دخالت دادن پیش فرض ها و پیش دانسته های مفسر در فهم متن را به شدت انکار می کنند و معتقدند که مفسر باید با ذهن خالی و بی درنگ به تفسیر پردازد؛ زیرا امکان اینکه شخص دچار تفسیر به رأی شود، وجود دارد. برای درک بهتر مقصود از خالی الذهن بودن مفسر لازم است انواع و اقسام پیش دانسته ها و پیش فرض ها را بررسی کرد و میزان دخالت هر کدام در تفسیر بیان شود تا مشخص شود که از دخالت کدام دسته باید ممانعت کرد. در مورد متون دینی، این عوامل دخالت زیادی در تکرار معنا دارند. بدین ترتیب که هر اندازه يك متن دینی از نظر محتوا غنی تر باشد فهم آن نیز با دشواری هایی همراه خواهد بود و برداشت هایی که صورت می گیرد، متفاوت خواهد بود. نبود قرائن و شواهد هم در متون دینی و برخی از متون در درك فهم متن نقش به سزایی دارند. با وجود این همه متون نیازمند تفسیر نیستند. شبستری می گوید: «سخن هنگامی نیازمند تفسیر است که معنای آن روشن نیست سخنانی که به روابط ملموس و محسوس زندگی مربوط هستند معنای روشن دارند تفسیر نمی خواهند، سخن ها و متن های دینی، فلسفی، عرفانی و هنری نیازمند تفسیر هستند» (شبستری، ۱۳۷۹، ص ۹۵). همچنین باید این نکته را افزود که از میان متون دینی، فلسفی و عرفانی که نیازمند تفسیر هستند هر جا نوعی ابهام وجود دارد نیاز به تفسیر بیشتر احساس می شود. وجود ابهامات موجود در يك متن نیز موجب می شود تا خواننده نظر خود را در متن تحمیل کند. بنابراین، مفسر با توجه به معلومات و تجربیاتش به خواندن و تفسیر متن می پردازد و در حین خواندن در اثر ارتباطی که با متن برقرار می شود با پاسخ هایی که در برابر پرسش هایش دریافت می کند به تعدیل و یا حذف برخی نظریاتش می پردازد.



## ۶. ابهامات موجود در فهم متن

### ۶-۱. ابهامات موجود در فهم اولی متن

این نوع ابهام که در مرتبه اول رخ می‌دهد بردو دسته است: گاه ابهامی که در یک متن وجود دارد به‌گونه‌ای است که با استفاده از قواعد معمول و متعارف آن زبان مانند لغت، قواعد تفسیر و... قابل رفع است. در برخورد و مواجهه با این نوع ابهام، شخص نمی‌تواند نظریه دیدگاه خاصی را بر متن تحمیل کند. در این نوع ابهام، مفسر با استفاده از پیش‌فرض‌ها و پیش‌دانسته‌های مشترک که جنبه ابزاری دارند، سعی می‌کند حقیقت را با استفاده از قواعد و اصول متعارف آن زبان از عمق متن بیرون بکشد. این نوع پیش‌فرض‌ها و پیش‌دانسته‌ها برای درک و فهم متن ضروری هستند و بدون آنها تفسیر صورت نمی‌گیرد. از طرفی مفسر از روی اراده و اختیار، آنها را به‌کار نمی‌گیرد، پس ناچار است برای رفع ابهام از قواعد و اصول آن زبان استفاده کند. در این مورد مفسر حق تحمیل چیزی و یا تفسیر خاصی را بر متن ندارد، اما نوع دیگری از ابهام وجود دارد که پس از گذشتن از این مرحله برطرف نمی‌شود و با استفاده از قواعد عرف آن زبان نیز قابل رفع نیست. در این میان نوعی تعامل میان مفسر و متن صورت می‌گیرد و شخص مفسر پرسش‌هایی را از متن می‌پرسد تا با رسیدن به پاسخ آنها ابهامات موجود را برطرف کند، اما این تعامل و گفت‌وگو باید در چارچوب باشد و از حد خاصی تجاوز نکند تا منجر به تحمیل نظر و عقیده مفسر بر متن نشود. در ابهام نوع اول، شخص مفسر اجازه تحمیل و دخالت نظر خاصی بر متن را ندارد، اما در ابهام نوع دوم نوعی تعامل میان ذهن و متن صورت می‌گیرد و جایگاه پیش‌فرض‌ها و پیش‌دانسته‌ها روشن می‌شود و باید تلاش شود که هر پیش‌دانسته و پیش‌فرضی بر متن تحمیل نشود.

### ۶-۲. ابهامات موجود در مراتب فهم

گاهی متن مراتبی دارد از جمله بطون و ظواهر که مفسر پس از رسیدن به معنای ظاهری و اولیه متن درصدد رسیدن به لایه‌های بالاتر متن است. در این مرحله ممکن است شخص دچار ابهام شود. این مرتبه در طول معنای اولیه است نه در عرض آن. بنابراین، مراتب فوق ناقص یکدیگر نیستند

بلکہ مرتبہ یک، درک عمق تری نسبت به مرتبہ اولیہ و معنای ظاہری است. در این حالت تعامل میان مفسر و متن بیشتر است. بسته به اینکه متن چه نوع متنی باشد درکی که از متن خواهد داشت عمیق تر خواهد بود. اگر متن یک متن دینی باشد و مفسر نیز درجه تزکیہ بالاتری داشته باشد، نمی تواند هر تفسیری را به متن نسبت دهد بلکه آنچه که در تفسیر به آن نائل می شود جلوه بیشتری از حقیقت خواهد داشت. همین دخالت پیش فرض ها، پیش فهم ها و پیش داوری ها و نیز انتظارات مفسر در تفسیر متون یکی از ارکان هرمنوتیک فلسفی و چالش برانگیزترین مسئله در حوزه معرفت دینی از جمله تفسیر به وجود آورده است. در این دیدگاه هیچ فهمی از یک متن امکان پذیر نیست مگر با دخالت پیش داوری ها و پیش فرض ها و انتظارات مفسر. بنابراین، متن می تواند معانی بی شماری را در خود داشته باشد؛ زیرا هر فرد با انتظارات و پیش داوری های مخصوص به خود هنگام قرائت متن، معنایی را کسب می کند که با فهم و درک دیگران متفاوت است.

توجه به مقوله فهم و نقش پیش داوری های مفسر در فهم متن از مهمترین ارکان و آموزه های هرمنوتیک فلسفی است که امروزه شاخه های مختلف علوم و معرفت بشری را تحت تأثیر قرار داده است. نکته مهم اینکه در هرمنوتیک فلسفی، مفسر به جای توجه به اصول و قواعد تفسیر و فهم به مؤلفه پیش فرض و پیش فهم تکیه می کند. شبستری می گوید: «داشتن پیش فهم ها و پیش فرض ها شرط ضروری برقراری ارتباط میان مفسر و متن دینی است و نقش اجتناب ناپذیر در فهم این متون دارد. ذهن خالی هیچ وقت وجود ندارد. پیش فهم ها و پیش فرض ها همیشه در ذهن ما جا دارند و نقش بازی می کنند» (شبستری، ۱۳۷۹، ص ۴۵). ایشان پیش فرض هایی را بیان کرده اند که نشان دهنده دو نکته است: اول اینکه استفاده از پیش فرض های برگرفته از قرآن که نوعی مؤید قرآنی بر آن وجود داشته باشد از نظر ایشان بلامانع است، دوم اینکه این پیش فرض ها چون از بطن متن اخذ شده اند، مذموم نیستند و موجب تحمیل رأی و نظر خاص بر متن نمی شوند. شاید وجود همین پیش فرض ها است که باعث شده است برخی بر ایشان خرده بگیرند که علامه از یک طرف به تخطئه دیگران پرداخته و آنها را به خاطر داشتن پیش فرض هایی مذمت کرده و از طرفی خودش این پیش فرض ها را در تفسیر به کار برده است (شبستری، ۱۳۷۹، ص ۱۱۷). البته باید افزود



که دخالت هر پیش فرض و پیش فهمی در تفسیر را نمی توان تفسیر به رأی دانست. تنها زمانی که کسی بخواهد پیش فرض های تطبیقی و ظنی که قطعیت آنها ثابت نشده است را مبنا قرار دهد و متون دینی را براساس آن تفسیر کند ممکن است به جای استنتاج از متن، پاسخ های آماده خود را بر متن تحمیل کند که این همان مصداق بارزی از تفسیر به رأی است که در قرآن نکوهش شده است.

### ۳-۶. زمینه، زمانه و تأثیر آن بر تفسیر مجتهد شبستری از دین

از جمله مواردی که بر تفسیر مجتهد شبستری و آرای ایشان تأثیر گذاشته است، می توان به دهه سوم انقلاب، تقابل نگرش غربی، اصلاح طلبی و ظهور نواندیشان دینی و تأکید آنان بر اسلام فقهاتی اشاره کرد. شبستری در کتاب هرمنوتیک، کتاب و سنت، تفکرات خود را چنین تبیین می کند: «اگرچه گفتمان اسلام گرایان فقهاتی تا اواسط دهه شصت روند هژمونی خود را می پیمود با وجود این از دهه سوم انقلاب اسلام، تحولاتی در نگرش به دین و کارکردهای آن در ایران و دیگر کشورهای اسلامی به وجود آمد که تفاسیر رایج از دین را تهدید می کرد. این تحولات و سایر تغییراتی که همه حوزه های تفکر و زندگی عینی بشر را در برمی گرفت تا حدود زیادی تابعی از تحولاتی بود که در مغرب زمین در حوزه روش شناسی، سیاسی، فرهنگی، فیزیکی و کیهان شناسی صورت گرفت و بعدها به ایران و برخی کشورهای اسلامی سرایت کرد» (شبستری، ۱۳۷۹، ص ۲۲۸-۲۳۰).

به نظر می رسد که گسترش این تحولات به دیگر کشورهای اسلامی و ایران باعث تغییر نگرش ها و حتی سست شدن ایمان افراد شده است و بزرگانی مانند مجتهد شبستری را به فکر فرو برده است که در آن شرایط خفقان آور و تزلزل دینی انسان ها مباحثی چون دین و قرآن و تفسیر و تبیین آن را تبلیغ کرد. مجتهد شبستری به عنوان یکی از نواندیشان دینی معاصر بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رویکرد تازه ای در پیش گرفت. او خود تصریح می کند که پس از گذشت دو سال از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به این نتیجه رسید که چارچوب تفکر فقهی سنتی برای حاکمان اسلامی مشکل ساز شده و مانع حرکت به سوی زندگی متناسب با عصر کنونی و دنیای امروزی گردیده است.

او معتقد بود که در بسیاری از موارد، فقهای سنتی حاکم سعی دارند فتاوی مشهور فقهی را که از آن با عنوان شرع یاد می‌کنند، کنارگذارند و به تشخیص عقلانی عمل کنند، ولی در عمل، این امر محقق نمی‌شود. از این رو مجتهد شبستری چنین استنباط می‌نماید که اندیشه حاکم، انسجام درونی نداشته و مدیران دچار عملگرایی بدون پشتوانه نظری شده‌اند؛ زیرا به باور وی، وقتی فردی بیان می‌کند که «مصلحت چنین است»، در واقع می‌خواهد با عقل تشخیص دهد که مصلحت یک جامعه چیست؟ آن چه شبستری آن را تعارض و ناسازگاری در تفکر و عمل کارگزاران اجتماعی و سیاسی می‌نامد، موجب خلق این سؤال شده که منشأ این ناسازگاری‌ها چیست؟ (مجتهد شبستری، ۱۳۸۶، ص ۱۷).

در نهایت ایشان چنین نتیجه می‌گیرد که مشکل اصلی در مبانی تفکر فقهی فقها و پیش فرض‌ها و پیش فهم‌های آنان نهفته است. و از آنجایی که این مسئله با علم هرمنوتیک مرتبط بود، وی به مطالعه در زمینه هرمنوتیک پرداخته و در این میان، هرمنوتیک فلسفی برای وی از اهمیت برجسته‌ای برخوردار گردید. پس از آن او با بهره‌گیری از علم هرمنوتیک به نقد فقه، اجتهاد سنتی و باورهای رایج درباره دین و سیاست روی آورد. در این راستا، سلسله مقالات مجتهد شبستری در ماهنامه کیهان فرهنگی با عنوان «دین و عقل» نخستین تلاش‌های وی به حساب می‌آید. حاصل پژوهش‌های وی چنین بود که تحوّل و تکامل فقه و اساساً همه احکام و معارف دینی، متأثر از علوم و معارف بشری است. بنا به ادعای وی، دین‌داری نمی‌تواند در برابر علوم و معارف بشری قرار گیرد؛ همچنین هرگونه فهم و برداشت از دین، تنها در پرتو علوم و معارف بشری امکان‌پذیر خواهد بود.

## ۷. نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش حاضر مشخص شد که تفسیر، مستلزم پیش فهم‌ها و پیش فرض‌هاست. این دخیل کردن پیش دانسته‌ها و پیش دآوری‌ها و نیز انتظارات مفسران متون دینی است که به کشف حقایق نهفته در بطن متن می‌انجامد. بنابراین هر مفسری برای تفسیر قرآن نیازمند بهره‌گیری از پیش فرض‌هایی است که اگر آوده به خودرایی نباشد و عنوان تفسیر به رأی به خود نگیرد، می‌تواند یک مفهوم عمیق و دقیق از متن حاصل کرد. از جمله متون دینی که می‌شود با استمداد از

پیش‌فرض‌ها و پیش‌فهم‌ها به کشف معانی آنها پرداخت عبارتند از: زبان عربی، معانی بیان، منطق، تاریخ اسلام، شأن نزول آیات و ... از طرفی برخی پیش‌فرض‌های دیگر نیز وجود دارند که بعضی مربوط به خدا، بعضی مربوط به متن و برخی دیگر مربوط به انسان هستند. باید دانست که پیش‌فرض‌ها قابل انکار نیستند؛ زیرا هر انسانی تحت هر شرایطی نوعی عقاید، ارزش‌ها و گرایش‌ها دارد و با این تمایلات و ارزش‌ها رشد می‌کند. به عبارتی این تمایلات در او نهادینه می‌شود تا جایی که می‌تواند در جهت دادن به تفسیر مؤثر باشد، اما آنچه در این میان مهم است تلاش مفسر در دخالت دادن پیش‌دانسته‌ها و علایق او در فهم متن است که نمی‌توان آن را به طور مطلق پذیرفت. از طرفی این نکته را هم باید پذیرفت که با ذهن خالی و بی‌رنگ هم نمی‌شود به تفسیر یک متن پرداخت. بنابراین، دخالت و نقش پیش‌فهم‌ها و پیش‌فرض‌ها در امر تفسیر به صورت جزئی است نه کلی و مطلق.

به تعبیر دکتر مجتهد شبستری، مفسر نمی‌تواند بدون پیش‌دآوری، پیش‌فرض و پیش‌فهم به تفسیری کامل دست یابد، پس ناگزیر از تمسک جستن به سنت‌هایی است که در گذشته جریان داشته است و عرب‌های معاصر نزول قرآن آن را براساس فرهنگ و فضای حاکم بر جامعه و گستره فکر و اندیشه خود درک می‌کردند. در بحث هرمنوتیک سؤالات فراوانی وجود دارد که عمده‌ترین آن مشروعیت بخشیدن به ذهنیت مفسر و دخیل دانستن آن در تفسیر متن، تأثیرپذیری فهم دینی از دانسته‌ها، پیش‌دآوری‌ها و انتظارات مفسر است؛ زیرا به اعتقاد قائلین علم هرمنوتیک نمی‌توان متون را تنها با یک مرتبه تدبر و قرائت فهمید، پس در این‌گونه موارد مفسر ناگزیر می‌شود از پیش‌فهم‌ها و پیش‌فرض‌های خود در بسط و شکافتن هسته یک متن و فهم آن استفاده کند. براساس نظرات مجتهد شبستری باید از پیش‌فرض‌هایی که موجب تحمیل رأی یا عقیده‌ای خاص بر متن می‌شود، جلوگیری کرد؛ زیرا تحمیل پیش‌فرض‌ها بدون رعایت قواعد و روش تفسیری موجب تفسیر به رأی می‌شود؛ یعنی اگر مفسر پیش‌فرض‌های تطبیقی را ملاک قرار دهد این‌گونه به تفسی پرداختن مصداقی از تفسیر به رأی خواهد بود که در آیات و روایات مورد مذمت قرار گرفته

است. توجه به قصد و نیت مؤلف باعث می‌شود که مفسر نتواند آرا و اندیشه‌های خود و یا گرایش‌های فردی و گروهی خود را در تفسیر دخالت دهد، اما باید توجه داشت که محوریت، قصد و نیت مؤلف که در متون دینی چون قرآن نقش اساسی را ایفا می‌کند به معنای نادیده‌گرفتن اندوخته‌های ذهنی یا پیش‌دانسته‌های مفسر نیست بلکه چون متن دارای معنایی مرکزی است مفسر باید تلاش کند تا از یک سو با استفاده از پیش‌فرض‌های ابزاری معنای مرکزی متن را دریابد و از سوی دیگر از دخالت گرایش و نظرات خود بر متن پرهیز کند و به صورت بی‌طرف به تفسیر بپردازد. در غیر این صورت در ورطه تزلزل می‌افتد و درک حقیقت متن قرآن که سخن خدای باری تعالی است، می‌ماند. بنابراین، هرچه مفسر ذهنی پرسؤال داشته باشد بهتر می‌تواند از متن سؤال کند و بحث استنتاج از متن بهتر خود را آشکار می‌کند، اما با این وجود مفسر همواره باید بی‌طرفی علمی را در تفسیر حفظ کند. همچنین مشخص شد که چون قرآن یک متن دینی باز است و متون با هم مراتب و بطون دارند، پس امکان برداشت معانی بسیاری را دارد و میزان استفاده هر کس از این‌گونه متون بستگی به فعال بودن ذهن او و میزان اطلاعات و آگاهی‌هایی دارد که در مورد آن متن برایش مطرح می‌شود. از طرفی روشن شد که دست‌یابی به پاسخ صحیح نیز منوط به نوع سؤال و میزان دقت و توجهی دارد که مفسر در تفسیر به‌کار می‌برد و اینکه باید از دخالت پیش‌فرض‌های تطبیقی که هنوز قطعیت لازم را ندارند، پرهیز کرد؛ زیرا در این صورت، تفسیر همان تفسیر به رأی خواهد بود.

### فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۸۱). مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. تهران: دانش.
۱. احمدی، بابک (۱۳۸۹). *ساختار و تأویل متن*. تهران: نشر مرکز.
  ۲. باقری دولت‌آبادی، علی. و نوری، نسیمه (۱۳۹۴). تأثیر انسان‌شناسی بر تفسیر مفهوم آزادی در اندیشه آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی و محمد مجتهد شبستری. *نشریه مطالعات سیاسی*، ۲۸(۷)، ۵۱-۷۴.
  ۳. پالم، ریچارد (۱۳۷۷). *علم هرمنوتیک*. مترجم: کاشانی، محمدسعید. تهران: هرمس.
  ۴. حاج سیدجوادی، سیدکمال (۱۳۹۱). *تمامیت‌پنداری و جزمیت یا پیش‌فرض و پیش‌داوری؟ بررسی زمینه‌های فکری مفسر در تفسیر اثر هنری*. *نشریه کیمیای هنری*، ۵(۱)، ۶۷-۷۴.
  ۵. حاجی اسماعیلی، محمدرضا، کمالوند، بیمان، و رحیمی، سجاد (۱۳۹۲). *نقش پیش‌فرض‌ها و پیش‌فهم‌ها در تفسیر قرآن کریم از منظر آیت‌الله جوادی آملی*. *دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث*، ۱۲(۷)، ۷۹-۱۰۱.
  ۶. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۲). *گستره شریعت*. قم: دفتر نشر معارف.

۷. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۳). هرمنوتیک و منطق فهم دین. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۸. روشن، امیر، و شفیع سیف‌آبادی، محسن (۱۳۸۹). تفسیر دین و تأثیر آن بر مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی محمد مجتهد شبستری و محمدتقی مصباح یزدی. *دوفصلنامه علمی-پژوهشی «پژوهش سیاست نظری»*، ۶(۹)، ۲۱-۴۳.
۹. رهبری، مهدی (۱۳۸۵). هرمنوتیک و سیاست (مروری بر نتایج سیاسی هرمنوتیک فلسفی هانس گئورگ گادامر). تهران: انتشارات کویر.
۱۰. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۷). *الامالی*. قم: مؤسسه البعثه الامالی.
۱۱. قاضی زاده، کاظم، و مقیمی نژاد داورانی، محدثه (۱۳۹۰). حجیت فهم و تفسیر غیر معصومین از قرآن کریم در روایات شیعه. *دوفصلنامه علمی-پژوهشی حدیث پژوهی*، ۶(۳)، ۲۲۱-۲۵۰.
۱۲. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۹). *هرمنوتیک کتاب و سنت*. تهران: انتشارات طرح نو.
۱۳. نکونام، جعفر (۱۳۸۸). تفسیر تاریخی قرآن کریم. نشریه پژوهش دینی، ۱۹(۸)، ۴۱-۶۸.
۱۴. واعظی، احمد (۱۳۹۳). *درآمدی بر هرمنوتیک، کتاب نقد*. قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۵. هوی، دیوید کوزنیز (۱۳۷۸). *حلقه انتقادی*. مترجم: فرهادپور، مراد. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.